



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیروز در مورد اینکه کلمه وقف در لغت و عرف عام به چه معنایی استعمال شده توضیحاتی دادیم و بالاخره گفتیم که نوع فقهاء ما وقف را اینطور معنی کرده اند: «تَحْبِيسُ الْأَصْلِ وَ إِطْلَاقُ الْمَنْفَعَةِ» یعنی اموالی که در اختیار انسان هستند تا زمانی که وقف نشده اند آزادند و انسان می تواند هر نوع تصرفی که می خواهد در آنها بکند اما وقتی آنها را وقف کرد حبس و نگه داشته می شوند و از طرفی منافع آن اموال موقوفه آزاد می شوند یعنی به موقوف علیه اختصاص داده می شوند، برخی از فقهاء «تَسْبِيلُ الْمَنْفَعَةِ» نیز ذکر کرده اند یعنی منفعت مال موقوفه فی سبیل الله خرج می شود علی ای حال این از آثار وقف است و خود وقف انشاء می خواهد و بعدا خود وقف را توضیح خواهیم داد.

عرض کردیم بعضی از فقهاء ما مثل مقدس اردبیلی در زیادة البیان و یا صاحب ریاض سعی کرده اند ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع، عقل) بر مشروعیت و جواز و فضیلت وقف اقامه کنند حالا ما می خواهیم همین را بررسی کنیم و ببینیم آیا ادله اربعه در اینجا متمشی هستند یا نه؟

در اجماع بحثی نداریم چون بین فقهاء ما مسلّم است که وقف کار خوب و دارای فضیلت و مشروعی می باشد اما از لحاظ کتاب آیاتی که بیان کرده اند نوعاً یک کلیات هستند مانند این آیاتی که صاحب ریاض بیان کرده: «وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ»^۱ و: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»^۲ و ما عرض کردیم این قبیل آیات کبری هستند درحالی که بحث ما

در صغری می باشد این آیات گفته اند کار خیر انجام بدهید اما بحث ما در این است که آیا وقف کار خیر است یا نه؟ و به چه دلیلی وقف خیر و مشروع و جائز می باشد؟، که خب می دانیم تمسک به کبری برای اثبات صغری صحیح نیست.

اما حالا می خواهیم ببینیم آیا در قران تصریحی در مورد وقف داریم یا نه؟ ممکن است از این راهها تصریح شده باشد؛ اول تصریح خود قران مثل «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ»^۳، دوم خود قران تصریح نکرده باشد ولی اهل بیت علیهم السلام تفسیر و تصریح کرده باشند مثلاً قران گفته شده «أُولَى الْأَمْرِ»^۴ و اهل بیت علیهم السلام می فرمایند اولی الامر ما (معصومین) هستیم، سوم اینکه شأن نزول ذکر شده باشد یعنی با روایات و تاریخ معتبر برای موضوعی شان نزول آیه ذکر شده باشد.

در اینجا دو آیه وجود دارد؛ اول اینکه آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر المیزان خواسته که از آیه ۱۲ سوره یس وقف را برداشت کند آیه این است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَحْيُ الْمُوتَى وَ نَكْتُبُ مَا قَدُمُوا وَ آثَارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾^۵ ایشان کلمه «و آثَارَهُمْ» را بر موقوفات تطبیق کرده و بعد به سراغ بحثی رفته و فرموده خداوند متعال در قران چند کتاب ذکر کرده؛ اول کتاب مبین، این است که خداوند کتابی دارد و هر پدیده ای در دنیا اتفاق بیافتد در آن کتاب ثبت می شود: ﴿وَلَا رَطْبٌ وَ لَا يَابَسُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^۶ این همان لوح محفوظ می باشد.

دوم اینکه قران برای هر امتی یک کتابی ذکر می کند: ﴿وَ تَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (۲۸) هذا كِتَابُنَا يُنطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۹)°، جامعه خودش یک

^۳ سوره یس، آیه ۱۲.

^۴ سوره انعام، آیه ۵۹.

^۵ سوره جاثیه، آیه ۲۸ و ۲۹.

^۱ آیه ۷۷، سوره حج.

^۲ سوره آل عمران، آیه ۹۲.

شخصیتی دارد زیرا افرادی که در جامعه جمع می شوند هر کدامشان فعالیتی دارند که همین باعث می شود جامعه با یک شیوه و هویت و ماهیت خاصی از جهت اقتصاد و فرهنگ و سیاست بوجود بیاید پس جامعه یک شخصیتی غیر از کل فرد فرد دارد و این شخصیت نیز بستگی به اعمال و کارهای افراد آن دارد.

سوم برای هر انسانی یک کتاب وجود دارد: ﴿وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا﴾^۶ که تمام اعمال و رفتار او را ثبت و ضبط می کند، این سه کتاب در قران کریم ذکر شده است، علی ای حال آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر آیه ۱۲ از سوره یس که خواندیم کلمه "و آثارهم" را بر وقف تطبیق داده یعنی هر چیزی که از انسان باقی می ماند، این یک موضوعی مربوط به وقف است که ایشان در قران پیدا و ذکر کرده اند.

یک موضوعی را بنده خودم پیدا کردم و آن یک روایتی است که اهل بیت علیهم السلام قران را اینطور معنی و تفسیر کرده اند و این روایت در اصول کافی و بحار ذکر شده است، خبر این است: ﴿مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ ابْنِ عِيسَى، عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ، عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ، عَنْ ضَرِيرِ بْنِ الْكَنَاسِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِرَجُلٍ يَغْرَسُ غَرْسًا فِي حَائِطٍ لَهُ فَوَقَفَ عَلَيْهِ فَقَالَ: أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى غَرْسٍ أَثْبَتَ أَصْلًا وَأَسْرَعَ إِنْبَاعًا وَأَطْيَبَ ثَمَرًا وَأَبْقَى؟ قَالَ: بَلَى فَدَلَّنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ فَقُلْ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» فَإِنْ لَكَ إِنْ قَلْتَهُ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ عَشْرَ شَجَرَاتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَاكِهَةِ وَهَنْ مِنَ الْبَاقِيَّاتِ الصَّالِحَاتِ، قَالَ: فَقَالَ الرَّجُلُ: فَإِنِّي أَشْهَدُكَ يَا رَسُولَ

الله أَنْ حَاطَظِي هَذِهِ صَدَقَةٌ مَقْبُوضَةٌ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَهْلِ الصَّدَقَةِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ آيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى»^۷.

خبر سنداً صحیح می باشد.

همان طور که می بینید آیات مذکور در روایت که آیات ۵ الی ۷ از سوره اللیل هستند توسط پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به وقف تفسیر شده اند زیرا تا حضرت این فرمایش را کردند آن شخص گفت وقف نمودم.

بنده به تفسیر برهان مراجعه کردم، تفسیر برهان یک تفسیر روائی و بسیار جامع و نزدیک به تفسیر اهل بیت علیهم السلام می باشد زیرا ۱۲۰۰ روایت با سند در تفسیر آیات ذکر شده است و این حدیث نیز در ص ۳۹ از جلد ۵ تفسیر برهان ذکر شده است و دلالت دارد بر اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم این آیات را به وقف تفسیر کرده، بنابراین دو آیه ذکر شد که وقف در آنها بیان شده است البته به تفسیر آیت الله طباطبائی در آیه اول که از کلمه "و آثارهم" وقف را استنباط کرده بودند می توان اشکال کرد چون این کلمه عام است ولی به این آیه و روایت دوم نمی توان اشکالی وارد کرد چون در روایت بخصوصه وقف ذکر شده است.

کتاباً و اجماعاً مشروعیت و جواز و فضیلت وقف مورد بررسی قرار گرفت و اما سنۀ و عقلاً بماند برای بعد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

^۶ سوره اللیل، آیه ۵ و ۶ و ۷.

^۷ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲۲، ص ۱۲۲، حدیث ۹۰، ط دارالاحیاء التراث.

^۸ سوره اسراء، آیه ۱۳.